



کد خبر: ۶۳۴۳۰۶
 سرویس: بین الملل
 تاریخ: ۰۷/بهمن/۱۳۹۳ - ۰۸:۵۶

۷ راهبرد اشتباه آمریکا در دیپلماسی با ایران

موسویان: ایران دلایل مشروع و مستند برای بی‌اعتمادی به آمریکا دارد

خبرگزاری تسنیم: دیپلمات سابق کشورمان در اجتماع فرهیختگان ایالت "مین" آمریکا گفت: ظاهراً واشنگتن فراموش کرده که ایرانی‌ها با تمدن و فرهنگ و تاریخ چند هزار ساله، ملتی مغرور هستند و زبان تحقیر و تهدید را تحمل نمی‌کنند.

به گزارش گروه بین الملل [خبرگزاری تسنیم](#)، سید حسین موسویان معاون پیشین سیاست خارجی شورای عالی امنیت ملی ایران در اجتماع فرهیختگان ایالت مین آمریکا دلائل شکست دیپلماسی آمریکا در بهبود روابط با ایران طی ۳۵ سال اخیر را تشریح کرد.

این نشست توسط "فوروم کرانه میانی آمریکا در سیاست خارجی" و با حضور بیش از ۲۰۰ نفر از فرهیختگان آمریکا برگزار شد.

موسویان ایرادات راهبردی آمریکا در مورد ایران را که منجر به شکست دیپلماسی واشنگتن در بهبود روابط با ایران شده به شرح زیر معرفی کرد.

۱. استراتژی متحد سازی آمریکا: اساس استراتژی آمریکا در خاورمیانه بر این بوده که یا کشورهای با آمریکا هستند و یا اینکه دشمن تلقی خواهند شد. لذا هر کشوری که متحد آمریکا نباشد یعنی تحت سلطه آمریکا نباشد، دشمن و غیر خودی تلقی شده و باید حذف شود. رژیم دیکتاتوری شاه متحد آمریکا بود که با انقلاب اسلامی سرنگون شد. از همان زمان آمریکا دشمنی با ایران را برگزید و تا امروز ادامه داده است. این استراتژی از اساس غلط بوده و دلیل آن هم این است که متحدین منطقه ای آمریکا امروزه یا ساقط شده اند و یا بی ثبات و یا وضع شکننده ای دارند.

۲. اسرائیلی بودن سیاست خاورمیانه ای آمریکا: محور اصلی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه بر مبنای منافع

اسرائیل بوده بطوریکه در برخی از اقدامات احساس می شود که واشنگتن منافع اسرائیل را بر منافع خود ترجیح می دهد. حرکت اخیر کنگره آمریکا در دعوت از نتانیاهو برای مقابله با اوباما نشان داد که نخست وزیر اسرائیل نزد اکثریت کنگره آمریکا از رئیس جمهور آمریکا محترم تر، معتبر تر و قابل اعتماد تر است.

۳. استراتژی فشار و تهدید: این استراتژی پای ثابت رفتار آمریکا در مورد ایران طی ۳۵ سال گذشته بوده است. کاخ سفید و کنگره آمریکا بر این باور بوده اند که با ستراتژی فشار و تهدید می توانند نظام جمهوری اسلامی ایران را ساقط کنند یا به تغییر رفتار وادار کنند و یا حداقل ضعیف و منزوی کنند. اما امروز پس از ۳۵ سال اعمال فشار و تهدید متوجه شده اند که ایران از همیشه قدرتمند تر و باثبات تر و با نفوذ تر شده است.

۴. زبان تحقیر: مواضع و گفتار اکثر سیاستمداران آمریکا در مورد ایران بر اساس "زبان تحقیر" بوده است. عناوین "تروریسم دولتی"، "دولت یاغی"، و یا "محور شیطانی" نمونه های بارز زبان توهین و تحقیر آمریکا درباره ایران بوده است. ظاهرا واشنگتن فراموش کرده که ایرانی ها با تمدن و فرهنگ و تاریخ چند هزار ساله، ملتی مغرور هستند و این نوع گفتمان تحقیر را تحمل نمی کنند.

۵. عدم تعهد به قواعد بین المللی: با وجودیکه آمریکا مدعی نرم های بین المللی است اما در عمل به آنها پای بند نبوده است. نمونه بارز این واقعیت را در مذاکرات جاری هسته ای می توان دید که ایران بر توافق در چارچوب معاهده ان پی تی اصرار دارد و آمریکا تعهدات فراتر از آن را می طلبد.

۶. تمرکز بر اختلافات: ایران و آمریکا دارای اختلافات اساسی و منافع مشترک مهم هستند. دیپلماسی واشنگتن-تهران در ۳۵ سال گذشته بر روی اختلافات تمرکز داشته است در حالیکه همکاری در زمینه های مشترک و گفتگو در زمینه های مورد اختلاف باید اساس استراتژی باشد.

۷. بی اعتمادی متقابل: واشنگتن همیشه خود را مستحق بی اعتمادی به ایران می دانست و مدعی بوده است در حالی که بی اعتمادی متقابل است و ایران دلایل مشروع و مستند برای بی اعتمادی به آمریکا داشته و دارد و لذا برداشتن بی اعتمادی نیازمند درک این واقعیت و تلاش متقابل است.

انتهای پیام/